

نژادپرستی و ملی‌گرایی افراطی در روسیه (با تمرکز بر جنبش "کله‌پوستی" ها)

علی‌رضا نوری^۱

مشکلات و چالش‌های عدیده دوره پس از شوروی، از جمله بحران اقتصاد کلان، فقر وسیع، فساد گسترده اجتماعی و سیاسی، ضعف‌های اداری و اجرایی و از همه مهمتر بحران هویت ملی، جامعه روسیه را با مشکلات و ناهنجاری‌های زیادی روبرو ساخته که گسترش پدیده بیگانه‌هراسی و نژادپرستی در قالب‌های مختلف یکی از نمودهای ملموس آن است. در کنار این نابسامانی‌ها، جنگ چچن و سیل مهاجرت به روسیه نیز تأثیری غیرقابل اغماض در گسترش اندیشه "روسیسم" و پدیده نژادپرستی در این جامعه داشته است. جنبش "کله‌پوستی" ها در مقام بزرگ‌ترین گروه نژادپرست روسیه با توسل وسیع به اقدامات خشونت‌بار، نماینده اصلی این اندیشه است که نگرانی‌های بسیاری را در داخل و خارج این کشور باعث و به مشکل مهمی تبدیل شده است. سعی نوشتار حاضر بر آن است تا به قدر توان با روشی توصیفی-تحلیلی به بررسی این مشکل بپردازد.

واژگان کلیدی: روسیه، بیگانه‌هراسی، نژادپرستی، جنبش "کله‌پوستی" ها، بحران هویت، مهاجرت.

^۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای

مقدمه

بیگانه‌هراسی قدمتی برابر با حیات بشر دارد. بشر از ابتدای آفرینش همراه با احساس شک و تردید نسبت به بیگانه و "غیرخودی" می‌زیسته که در موارد بسیار به تقابل بدون دلیل موجه نیز منجر شده است. این تأثیر به حدی نمایان است که در بسیاری از متون، در تعریف هویت همیشه بر وجود "دیگری" تأکید و "خود" و هویت "خودی" در تقابل با "دیگری" و "غیرخودی" تعریف می‌شود. بیگانه‌هراسی در تاریخ روسیه نیز قدمتی طولانی دارد، اما توسعه و گسترش قابل ملاحظه اندیشه و اقدامات نژادپرستانه در روسیه پس از شوروی با ویژگی خشونت‌بار آن، تصور جدیدی است که سابقه تاریخی ندارد.

تقریباً هر روز در رسانه‌های این کشور گزارشی از یکی از شهرهای روسیه در خصوص جنایتی با انگیزه‌های نژادپرستانه منتشر می‌شود. این اقدامات ناشی از گسترش بی‌سابقه اندیشه "روسیسم"^۱ است که هدف آن ایجاد یک جامعه تماماً روس (اسلاو) و پاک کردن روسیه از ملیت‌های غیراسلاو و خارجیان می‌باشد (McLennan 2005).

رهبران گروه‌های نژادپرست به پیروان خود می‌آموزند که تمام بدی‌ها از خارجی‌ها ناشی می‌شود و باید با آنها با قدرت مقابله کرد. تشدید فعالیت این گروه‌ها طی سال‌های اخیر به حدی نگران‌کننده بود که سازمان‌ها و نهادهای حقوق بشر بین‌المللی بارها به مقامات روسیه در خصوص کوتاهی و عدم توجه جدی به گسترش این پدیده هشدار داده‌اند ("Программа гаражданских действии против фашизма").

(2006 رهبران برخی نهادهای مدنی داخل روسیه نیز بارها از مقامات دولتی خواسته‌اند وخامت گسترش پدیده نئونازیسم، بیگانه‌هراسی و تعصبات نژادی را در این کشور جدی بگیرند. با توجه به گستردگی این پدیده در جامعه روسیه و تنوع گروه‌های نژادپرست این کشور، در نوشتار حاضر به ماهیت گروه‌های موسوم به "کله‌پوستی"^۲ به عنوان بزرگ‌ترین و فعال‌ترین گروه نژادپرست روسیه پرداخته و علت گسترش فعالیت آنها در چند ساله اخیر بررسی می‌شود.

^۱. Russian

^۲. The Skinhead Movement

شکل‌گیری و ایدئولوژی گروه‌های "کله‌پوستی" ها

جنبش افراطی "کله‌پوستی" ها اولین بار در دهه ۱۳۲۰ (۱۹۶۰ م) در بریتانیا شکل گرفت و سپس در قالب‌های مختلف به سایر نقاط جهان از جمله آلمان در قالب جنبش نازیسم و سپس نئونازیسم تسری یافت. این جنبش در ابتدا شامل تشکیلی از جوانان سفیدپوست با انسجام اندک بود که به واسطه مشکلات هویتی و در واکنش به موج گسترده مهاجرت، دست به خشونت می‌بردند. ضدیت با سیاهان، یهودیان، هسپنیک‌ها (اسپانیایی‌تبارها)، آسیایی‌ها، همجنس‌بازان و مهاجرین، ویژگی اصلی این گروه‌ها بود. هر چند خواستگاه اصلی "کله‌پوستی" ها بریتانیا و گسترده‌ترین محل فعالیت آنها آلمان بوده و هر چند روسیه و روس‌ها بیش از هر کشور دیگری در مقابل نازی‌ها جنگیده از آنها نفرت داشته و در شکست آنها سهم داشتند، اما مرور تحولات سال‌های اخیر در روسیه حکایت از آن دارد که ایدئولوژی نئونازیسم بیش از هر کشور دیگری در جامعه روسیه پس از شوروی گسترش یافته است (۳۹: 2008, урсул).

تشکل‌های مختلفی در روسیه در قالب حزب و جنبش با گرایش‌ها و ایدئولوژی بیگانه‌هراسی و نژادپرستانه فعال می‌باشند که جنبش اتحاد ملی روسیه^۱، حزب حاکمیت ملی^۲، جنبش مخالفان مهاجرت غیرقانونی (دی. پی. ان. آی)^۳، جنبش ملی‌گرای مردمی^۴، حزب آزادی^۵، حزب آزادی‌خواه روسیه^۶، اتحادیه اسلاوی^۷، گروه فرمت ۱۸^۸، جامعه سوسیالیستی ملی‌گرا (ان. اسی)^۹، جنبش اراده مردم، حزب ملی‌گرای بلشویک،

^۱. The Russian National Unity (RNU)

^۲. The National Sovereign Party

^۳. جنبش مخالفان مهاجرت غیرقانونی (DPNI) (The Movement Against Illegal Immigration): تیر ۱۳۸۱ به رهبری الکساندر بلوف پایه‌گذاری شد و حدود ۵ هزار عضو دارد.

^۴. The National Popular Party

^۵. The Party of Liberty

^۶. The Russian Liberation Union

^۷. اتحادیه اسلاوی (Slavic Union): شاخه‌ای از جنبش اتحاد ملی‌گرایان (که فعالیت آن غیرقانونی اعلام شده) به رهبری دمیتری دمیشکین است که در مسکو حائز حدود ۵ هزار عضو است.

^۸. گروه فرمت ۱۸ (Format 18): ماکسیم مارت‌سینکوویچ رهبر این گروه است که به اتهام تبلیغات نژادپرستانه و قتل دستگیر و زندانی شده است.

^۹. جامعه سوسیالیستی ملی‌گرا (ان اسی) (National Socialist Society (NSO)): به رهبری دمیتری ژمانسوف که بر برتری نژاد اسلاو تأکید و خشونت علیه غیراسلاوها را تبلیغ می‌کند.

جنبش کوزاک‌ها و جنبش "کله‌پوستی"ها از مهم‌ترین این گروه‌ها هستند. در این میان، جنبش موسوم به "کله‌پوستی"ها با انسجام کمتر و پراکندگی بیشتر مهم‌ترین وارث اندیشه نئونازیسم در روسیه است و نسبت به سایر گروه‌ها فعالیت بسیار گسترده‌تر و خشونت‌آمیزتری دارد و طی سال‌های اخیر به مشکل مهمی برای جامعه روسیه پس از شوروی تبدیل شده است. "کله‌پوستی"های امروز روسیه مشتاقانه پیرو همان ایدئولوژی شده‌اند که پدربزرگ‌های آنها ۶۰ سال پیش با آن مبارزه می‌کردند (Atkinson 2007: 18). گالینا گازیون کووا، پژوهش‌گر مرکز مطالعات حقوق بشر سووا معتقد است: "هیچ کس نمی‌خواهد به این واقعیت اعتراف کند که کشوری که دیروز فاشیسم را شکست داد، امروز به محلی برای رشد اندیشه‌های فاشیستی تبدیل شده است" (Nadezhdina 2007).

الکساندر برد، رییس دفتر حقوق بشر مسکو معتقد است در سال ۱۳۸۶ حدود ۱۴۰ گروه تندرو در روسیه فعال بوده که بیشتر آنها را گروه‌های "کله‌پوستی" تشکیل می‌داده‌است (Nadezhdina 2007). نیکلای سموروف با اشاره به شکل‌گیری نطفه گروه‌های "کله‌پوستی" در دهه‌های ۳۰-۱۳۲۰ (۶۰-۱۹۵۰ م)، بر این اعتقاد است که مقامات دولتی در شکل‌گیری این گروه‌ها دخیل بوده و از آنها برای دستیابی به مقاصد سیاسی خود بهره می‌برده‌اند (Смуров 2008). به اظهار سیمون چرنی، در آن زمان مقامات امنیتی و مأموران "کا. گ. ب" با سامان‌دهی به این گروه‌ها زیر نظر وزارت کشور و کمیته‌های منطقه‌ای اتحاد جوانان کمونیست در قالب و زیر عنوان "بریگاده‌های کمک‌یار پلیس"، از آنها برای تهدید و ضرب و شتم مخالفان کمونیسم (علاقه‌مندان به غرب) و مجبور کردن آنها به رهاکردن به اصطلاح رفتارهای غیراجتماعی خود و نیز ترساندن زنانی که قصد ازدواج با خارجی‌ها را داشتند استفاده می‌کردند. هرچند تعامل متقابل این گروه‌ها با نهادهای امنیتی موجب انسجام نسبی و قدرت‌یابی قابل ملاحظه آنها در دهه ۵۰-۱۳۶۰ (۷۰ و ۱۹۸۰ م) شد، اما آنها همچنان زیر کنترل نیروهای امنیتی قرار داشته و فعالیت می‌کردند (Mitrokhin 2006: 22).

گروه‌های "کله‌پوستی" پس از فروپاشی شوروی (به طور دقیق از سال ۱۳۷۱) و در اوج بی‌ثباتی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی دهه ۷۰ (۹۰ م)، خود را بازتعریف کرده، فعالیت‌های خود را در قالبی جدید و البته این بار خارج از کنترل نیروهای امنیتی پی‌گرفته و به بزرگ‌ترین و فعال‌ترین جنبش نژادپرست روسیه تبدیل شده‌اند. جنبش "کله‌پوستی"ها، جنبشی عمدتاً اجتماعی است و اهداف سیاسی خاصی را دنبال نمی‌کند.

منتسبین به این جنبش در گروه‌های متنوع و مختلف از جمله "خون و شرافت"، "اتحاد بریگادهای ۸۸" و "لژیون‌های کله‌پوستی" دسته‌بندی می‌شوند و اغلب نسبت به انتساب به گروه خود حساسیت دارند (Osborn 2005). اعضای این جنبش موهای خود را می‌تراشند، به روش نازی‌ها به هم سلام می‌دهند و روی لباس‌های سیاه و پرچم‌های قرمز آنها نقش چکش‌های متقاطع به شکل صلیب شکسته، به عنوان نماد جنبش "کله‌پوستی"ها حک شده است (Marat 2006: 5).

گروه‌های "کله‌پوستی" اغلب دارای ساختاری منضبط می‌باشند که کیش شخصیت رهبر و تابعیت بی‌چون و چرا از او یکی از ویژگی‌های اصلی و ساختاری این گروه‌ها است. اعضای گروه‌های "کله‌پوستی" عمدتاً جوانانی از خانواده‌های فقیر با سطح تحصیلات پایین می‌باشند که به طور متوسط بین ۱۳ تا ۳۰ سال سن دارند. بر اساس تحقیقات انجام شده، اقدامات خشونت‌آمیز این گروه‌ها اغلب توسط اعضای جوان ۱۵ تا ۱۷ سال صورت می‌گیرد و بیشتر این اقدامات در مسکو، سنت‌پترزبورگ، ورونژ و نیژنی‌نووگوراد متمرکز بوده است (Фочкин 2007a). برخی اعضای این گروه‌ها اوباش و هواداران تیم‌های فوتبال هستند، اما برخی دیگر در انجمن‌های خاص عضویت دارند، بر هدفمند بودن اقدامات خود و شناخت دشمنان روسیه مصرند و فرض بر این است که آگاهی کاملی از تاریخ و فرهنگ روسیه دارند (Фочкин 2007b).

ایدئولوژی این جنبش ملغمه‌ای خاص از اندیشه‌های نژادپرستانه نازیسم و ملی‌گرایی افراطی روسی است. به واسطه این که در بسیاری موارد دیدگاه‌ها و فعالیت‌های آنها تقلیدی از ایدئولوژی و اقدامات نئونازی‌های آلمانی است؛ در برخی منابع از این گروه‌ها به عنوان گروه‌های "نئونازی روسی" نیز یاد می‌شود.^۱ همه "کله‌پوستی"ها در شعار "روسیه برای روس‌ها" مشترکند و مسئله‌ای که بیش از هر چیز آنها را با یکدیگر متحد می‌کند، نفرت از خارجی‌ها به ویژه مهاجرین آسیای مرکزی و قفقاز، آسیایی‌ها و آفریقایی‌های (به طور کلی سیاهان) حاضر در روسیه است که به صورت ضرب و شتم شدید و قتل آنها نمود بیرونی می‌یابد. ملیت‌های غیراسلاو روسیه از جمله اتباع قفقاز شمالی (به ویژه چچنی‌ها و

^۱. نکته جالب تأمل در خصوص گروه‌های «کله‌پوستی»، تشدید فعالیت آنها در ۲۰ آوریل (سالروز تولد هیتلر) است. به عنوان مثال در فروردین ۱۳۸۵ نه نفر در اثر حملات این گروه‌ها به قتل رسیده‌اند. برای اطلاع بیشتر رک به:

Фочкин 2007b

داغستانی‌ها) و همچنین یهودیان از جمله شهروندان این کشور می‌باشند که در کنار خارجی‌ها، زیر شعار مقابله با "دشمنان ملت" هدف حمله گروه‌های "کله‌پوستی" قرار می‌گیرند. البته در بسیاری موارد ملیت برای "کله‌پوستی"‌ها مطرح نیست و غیراسلاو و غیرسفید بودن مهم‌ترین علت نفرت و انگیزه اقدام‌های خشونت‌آمیز آنها است (Nadezhdina 2007).

بسیاری از "کله‌پوستی"‌ها پیرو دیدگاه‌های الکساندر ساخارفسکی^۱ رهبر حزب راست‌گرای افراطی مردم^۲ می‌باشند. ساخارفسکی با اعتقاد به اینکه نژاد سفید همواره زیر تاخت و تاز خارجی‌های غیرسفید بوده، سیاست نفرت را در میان هواداران خود تبلیغ می‌کند. او همانند اکثریت "کله‌پوستی"‌ها به شدت ضدیهود است و از اینکه هیتلر نتوانست روسیه را از شر یهودیان پاک کند، ابراز تأسف می‌کند. به اظهار او: "هیتلر می‌خواست روسیه را از ظلم یهودیان نجات دهد و رومانف‌ها را به قدرت بازگرداند، اما خدا به او این اجازه را نداد و امروز این وظیفه ما است که این هدف را به انجام رسانیم" (Osborn 2005). طبق گزارش مرکز مطالعاتی سووا^۳ جنایات "کله‌پوستی"‌ها ویژگی‌های مشترکی به قرار زیر دارد:

۱. تمام قربانیان ظاهری غیراسلاو دارند و مورد حمله گروهی (حداقل سه نفری) واقع می‌شوند.

۲. به ندرت با سلاح گرم و بیشتر با وارد آوردن ضربات متعدد سلاح سرد قربانیان خود را هدف قرار می‌دهند و در برخی موارد قربانیان مجروح خود را در گوشه‌ای رها می‌کنند تا آرام جان دهند.

۳. حملات سطحی انجام نمی‌دهند و عمدتاً ضرب و شتم شدید و قتل عنصر اصلی فعالیت آنها است.

۴. مشروب نمی‌خورند، مواد مخدر مصرف نمی‌کنند و فیزیک قوی دارند (البته در عمل این موارد نسبی است و بسیاری از حملات "کله‌پوستی"‌ها در حالت غیرعادی (مستی) انجام می‌شود).

۵. دختران نیز در این گروه‌ها عضویت دارند و در حملات نیز شرکت می‌کنند.

¹. Alexander Sukharevsky

². Far-Right National People's Party

³. Sova Center

۶. آنها بین قربانیان کودک، جوان، پیر، زن و یا مرد تفاوت قائل نمی‌شوند.^۱
۷. اقدام به جنایت در اماکن عمومی از جمله در متروها، دانشگاه‌ها، فروشگاه‌ها و پارک‌ها را ترجیح می‌دهند (7: Baysinger 2006).

تشدید فعالیت گروه‌های "کله‌پوستی"

هرچند دامنه فعالیت خشونت‌آمیز گروه‌های "کله‌پوستی" در روسیه پس از فروپاشی شوروی همواره روندی رو به افزایش داشته، اما از آغاز هزاره جدید این روند به نحو قابل ملاحظه‌ای تسریع شده است. بنا به آمار ارائه شده از سوی مرکز مطالعاتی سووا، در سال ۱۳۸۳ از مجموع ۲۵۶ حمله نژادپرستانه ۴۶ مورد، سال ۱۳۸۴ از مجموع ۴۱۳ حمله ۱۳ مورد و سال ۱۳۸۵ از مجموع ۵۲۰ حمله ۵۴ مورد به قتل قربانیان منجر شده است. بر اساس آمار همین مرکز در شش ماهه نخست سال ۱۳۸۶ بیش از ۳۰۰ مورد حملات نژادپرستانه در روسیه به ثبت رسیده که از این شمار ۳۷ مورد مرگ قربانیان را در پی داشته است (Kozhevnikova 2007: 27). به دنبال قتل مترجم افغانی اداره مهاجرت روسیه در اردیبهشت ۱۳۸۱ به دست "کله‌پوستی"ها و درخواست سفرای برخی کشورها از ایگور ایوانف وزیر خارجه وقت این کشور برای اقدام جدی‌تر دولت روسیه در برابر روند رو به افزایش اقدامات نژادپرستانه، این پدیده ابعاد بین‌المللی نیز به خود گرفت (2002 "Moscow Skinheads Target Southerners").

دور جدید فعالیت گروه‌های "کله‌پوستی" که به عقیده برخی با روی کار آمدن دولت ملی‌گرای پوتین در اواخر سال ۱۳۷۸ آغاز شده، با تحول در شمار و کیفیت اعضاء و همچنین شیوه‌های اقدام آنها همراه بوده است. شمار اعضاء منتسب به این گروه‌ها از آغاز هزاره جدید افزایش قابل ملاحظه داشته، به نحوی که تعداد آنها از چند ده نفر در ابتدای دهه ۷۰ (۹۰ م) به بیش از ۵۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۴ و حدود ۷۰ هزار نفر در سال ۱۳۸۶ رسیده و با توجه به روند فزاینده عضوگیری این گروه‌ها، بیم آن می‌رود که این تعداد تا سال ۱۳۸۹ به بیش از ۱۰۰ هزار نفر بالغ شود. لذا با عنایت به مجموع حدود ۷۰ هزار نفری شمار

^۱. سال ۱۳۸۳ خورشیدا سلطانووا دختر ۹ ساله تاجیک در مقابل چشمان پدرش مورد حمله ۱۰ نفر از «کله‌پوستی»ها قرار گرفت و با ۱۱ ضربه چاقو به قتل رسید. زمانی که در دادگاه از باکماکف یکی از مهاجمان به این دختر سوال شد که آیا از اقدام خود پشیمان است یا خیر؟ در پاسخ گفت: «وقتی سوسک‌ها را می‌کشید هیچ‌گاه از کرده خود پشیمان نمی‌شوید». برای اطلاع بیشتر رک به:

"کله‌پوستی"ها در سایر نقاط دنیا، می‌توان ادعا کرد که بیش از دو سوم "کله‌پوستی"های دنیا در روسیه فعال هستند. هرچند با توجه به فعالیت مخفی این گروه‌ها و فقدان آمار رسمی در این خصوص، احتمالاً رقم واقعی اعضاء گروه‌های "کله‌پوستی" در روسیه بسیار بیشتر از این تعداد باشد (Osborn 2005).

افزون بر کمیت، کیفیت اعضاء گروه‌های "کله‌پوستی" نیز طی این دوره دستخوش تحول بوده است. اعضاء این گروه‌ها در دهه ۷۰ (۹۰ م) اغلب هواداران تیم‌های فوتبال و نوجوانان اوباش بودند، اما از آغاز هزاره جدید بر شمار افراد جوان و میان‌سال این گروه‌ها افزوده شده، سطح عمومی تحصیلات و جایگاه اجتماعی اعضاء ارتقاء یافته و مجاری عضوگیری آن‌ها نیز (از جمله از مدارس دانشگاه‌ها و حتی نهادهای دولتی) متنوع‌تر شده است (Kozhevnikova 2007: 13). به عقیده گالینا کوزوونی‌کوا^۱، کارشناس مرکز سووا، هم‌اکنون در میان "کله‌پوستی"ها دانشجوی، فرزندان خانواده‌های طبقات متوسط به بالا، حتی افسران پلیس و کارمندان دولت نیز دیده می‌شود (Pitulova 2008). سرگئی بلیکف^۲ با اشاره به تشدید عنصر خشونت در اقدامات "کله‌پوستی"ها معتقد است؛ "کله‌پوستی"های دهه ۷۰ (۹۰ م) اوباش‌هایی ساده بودند، اما "کله‌پوستی"های امروز، قاتلان حرفه‌ای می‌باشند. آنها در حملات خود از پیچ‌گوشتی و چاقو استفاده می‌کنند و حملات آنها معمولاً به مرگ قربانیان ختم می‌شود" (Osborn 2005). شایان ذکر است که "کله‌پوستی"ها برخلاف گذشته در اقدامات جدید خود به تنهایی نیز مبادرت به حمله می‌کنند.^۳

گستره فعالیت این گروه‌ها نیز در سال‌های اخیر دستخوش تغییر بوده است. در گذشته دامنه فعالیت گروه‌های "کله‌پوستی" عمدتاً محدود به شهرهای بزرگ (مسکو و سنت پترزبورگ) بوده، اما دور جدید فعالیت آنها به شهرهای کوچک نیز گسترده شده است. آمارها حاکی از تمرکز بیشتر فعالیت آنها در مسکو، سنت پترزبورگ، کراسنودار، استاوروپل، سوردلوفسک و یکاترینبورگ است، اما هر از چند گاهی، گزارش‌هایی از جنایت‌های پراکنده این گروه‌ها در سایر شهرهای روسیه نیز منتشر می‌شود (Charny 2005). طی این سال‌ها گروه‌های "کله‌پوستی"

^۱ Galina Kozhevnikova

^۲ Sergey Belikov

^۳ . به عنوان مثال دی ۱۳۸۵ الکساندر گوپتف، یکی از اعضاء «کله‌پوستی»ها، به تنهایی با حمله به اجتماع یهودیان در کنیسه‌ای در مسکو ۹ نفر از آنها را با چاقو زخمی کرد. برای اطلاع بیشتر ر ک به:

توانسته‌اند حمایت‌های مالی و حقوقی مناسبی نیز برای اقدامات خود جلب کرده و از این طریق دوستان خود در زندان را نیز مورد حمایت قرار دهند. "کله‌پوستی"ها طی سال‌های اخیر مخالفان خود از جمله فعالان حقوق بشر، وکلا و دانشگاهیان را نیز مورد حمله قرار داده‌اند. فروردین ۱۳۸۳ آلکسی کوزلوف،^۱ از اعضای جنبش حقوق بشر جوانان،^۲ در ورونژ مورد ضرب و شتم شدید دو تن از "کله‌پوستی"ها قرار گرفت. خرداد ۱۳۸۴ نیکلای گری‌ینکو^۳ یکی از برجسته‌ترین کارشناسان ضدجنبش "کله‌پوستی" و رییس کمیسیون حقوق اقلیت‌های جامعه علمی سنت پترزبورگ^۴ نیز مورد حمله اعضای این گروه‌ها قرار گرفت و به قتل رسید. او مطالعات وسیعی را در مورد این جنبش انجام داده و مشاور برخی مقامات دولتی در خصوص مبارزه با فعالیت‌های نژادپرستانه بود (Nikolai Girenko " 2004: 2). خرداد ۱۳۸۶ نیز والتین اُزونف،^۵ همکار نزدیک گری‌ینکو که فعالیت‌های وی را دنبال می‌کرد به دست اعضای همین گروه‌ها به قتل رسید (Гилинский 2007).

بسترها و اسباب تشدید فعالیت جریان "کله‌پوستی"ها

نابسامانی‌های دوره پس از شوروی، جنگ چچن و سیل مهاجرت به روسیه در دهه ۷۰ سه علت عمده‌ای است که بیشترین تأثیر را در سامان‌یابی و انسجام گروه‌های "کله‌پوستی" در دوره پس از شوروی داشته و از این طریق بستر لازم برای تشدید فعالیت این گروه‌ها را در این دوره مهیا کرده که در ادامه هر یک از این علل به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) نابسامانی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دوره پس از شوروی

به تبع مشکلات عدیده ناشی از فروپاشی، جامعه روسیه پس از شوروی جامعه‌ای از هم‌گسیخته بود که در آن مولفه‌های هویتی سابق مورد تردید قرار گرفته و مبانی جدید هویتی نیز هنوز به درستی تعریف نشده بود. بسیاری از برنامه‌های نابسامان اصلاحات اجتماعی و اقتصادی در این جامعه، خودمدارانه و بدون تفکر منطقی انجام گرفت؛ ارمغان این وضعیت وخامت شدید اوضاع اجتماعی و اقتصادی، افت سطح رفاه، کاهش خدمات

¹. Aleksei Kozlov

². The Youth Human Rights Movement

³. Nikolai Girenko

⁴. The Minority Rights Commission at the St Petersburg Scientific Union

⁵. Валентин Узунов

آموزشی و بهداشتی، افزایش بیکاری، گسترش فساد و جرایم و بسیاری معضلات دیگر بود. بی‌خانمان‌های روسیه در دهه ۷۰ (۹۰ م) به بیش از سه برابر این تعداد در دوره شوروی بالغ شده بودند. مشکلات اقتصادی خانواده‌ها در این دهه باعث رها کردن حدود ۴ میلیون نوجوان و جوان در خیابان‌ها شده بود. خیابان‌های روسیه در این دهه پر از "بچه‌های اصلاحات" بود که عبارت بودند از جوانان و نوجوانان بی‌هویت و سردرگم، با سطح تحصیلات پایین که به علت کمبودهای اقتصادی فراوان آمادگی انجام هرگونه اقدام خشونت‌آمیز را داشته و به راحتی تحت تأثیر و تحریک گروه‌ها و افراد تندرو از جمله گروه‌های نژادپرست قرار می‌گرفتند (4: 2008: Викторوونا).

فروپاشی شوروی به همراه سایر تبعات منفی آن، خلا ایدئولوژیکی را نیز به وجود آورد که از آن به بحران هویت ملی تعبیر می‌شود. به اعتقاد امیل پین،^۱ مدیر بخش تحقیقات افراط‌گرایی و بیگانگی‌های مؤسسه جامعه‌شناسی روسیه "فروپاشی دولت چندملیتی شوروی، بحران هویتی را سبب شد که بدنبال آن دیدگاه‌ها و تصورات مختلفی از دوست و دشمن آشکار گردید" (Nadezhdina 2007). با این ملاحظه تحقیر ملی ناشی از فروپاشی شوروی، بی‌ثباتی‌های اجتماعی و هویتی پس از فروپاشی و تلاش‌های ناموفق برای نوسازی سریع در این دوره از جمله اسباب اصلی بروز افراط‌گرایی و ناهنجاری‌های اجتماعی نظیر گسترش فعالیت گروه‌های "کله‌پوستی" برشمرده می‌شود. افزون بر آشفتگی‌های اجتماعی و هویتی، وضعیت نابسامان سیاسی دهه ۷۰ (۹۰ م) که در آن سازوکارهای غیرقانونی از جمله خشونت برای تحصیل اهداف مورد تکریم قرار می‌گرفت، نیز در گسترش فعالیت‌های خشونت‌آمیز گروه‌های نژادپرست از جمله "کله‌پوستی"ها تأثیری غیرقابل اغماض داشت (73: 2007: Голобкова).

ب) جنگ چچن

جستجوی دشمن و مقابله با آن از پایدارترین مولفه‌های فرهنگ سیاسی و اجتماعی جامعه روسیه است که ریشه آن به تاریخ کهن این کشور و غلبه دیدگاه‌های امنیت محور در این تاریخ باز می‌گردد. این عنصر مهم فرهنگ سیاسی در دوره شوروی از یک سو با تأکید بر "آرمان‌شهر کمونیسم"، "خوشبختی بشر" و "آینده روشن" و از سوی دیگر با ذهنیت

^۱. Emil Pain

نسبت به "دشمنان" از جمله کولاک‌ها و حامیان آنها، چپ‌ها و راست‌ها، خراب‌کاران و کارشکنان که دستیابی به آرمان‌های بازگفته را با چالش و تأخیر مواجه می‌کردند، بازتولید شد (Гилинский 2007). به طور طبیعی این ذهنیت‌ها در فرآیندهای جامعه‌پذیری به جامعه روسیه پس از شوروی منتقل شد و این جامعه تلاش کرد با جستجوی یک دشمن جدید اقدام به هویت‌یابی کند. هرچند در دوره ۷۰ ساله حکومت کمونیست‌ها، غرب به عنوان دشمن اصلی روسیه معرفی و جامعه کمونیستی با تأکید بر مقابله با آن به عنوان یک "غیرخودی" هویت‌یابی می‌کرد، اما پس از فروپاشی شوروی، با توجه به موج شدید غرب‌گرایی دولت‌مردان کرملین در ابتدای دهه ۷۰ (۹۰ م) و تلاش آنها برای نزدیکی با تمدن غرب به عنوان دوست روسیه، دشمن باید در جایی غیر از غرب جستجو می‌شد. در این میان جنگ فرسایشی چچن در بازتولید عنصر دشمن در بخشی از جامعه روسیه پس از شوروی نقش بسیار مؤثری ایفا کرد. حملات خشونت‌آمیز گروه‌های جدائی‌طلب چچنی به شهرهای روسیه علیه غیرنظامیان و تبلیغات وسیع و منفی رسانه‌های دولتی و خصوصی علیه این جنگ که به دشمن‌تراشی‌ها بیشتر دامن می‌زد، بستر نفرت و بهانه لازم برای بروز اقدامات خشونت‌بار در قالب اقدامات "کله‌پوستی" ها علیه اتباع قفقازی به طور خاص و مهاجرین به طور عام را فراهم آورد که به صورت حمله به این افراد آشکار شد. هرچند اقدامات خشونت‌آمیز گروه‌های "کله‌پوستی" علیه اتباع قفقازی بیشتر با انگیزه تلافی اقدامات خشونت‌بار آنها علیه غیرنظامیان اسلاو انجام می‌گرفت، اما این اقدامات از سوی دیگر بهانه‌ای برای هویت‌یابی جوانان و نوجوانان بی‌هویت روسیه بود. دشمن ملت اسلاو پیدا شده بود و بسیاری از جوانان و نوجوانان با اتکا به مقابله با این دشمن و شعار "روسیه برای روس‌ها" تلاش می‌کردند مبانی هویتی جدید خود را تحکیم بخشند (41: урсул 2008).

ج) سیل مهاجرت به روسیه در دهه ۷۰ (۹۰)

موج گسترده مهاجرت طی دهه ۷۰ (۹۰ م) از جمهوری‌های شوروی سابق به ویژه آسیای مرکزی و قفقاز به روسیه و به تبع آن بروز درگیری و اختلاف بین مردم محلی و مهاجرین به سبب دیدگاه‌ها و شیوه‌های مختلف زندگی، علت دیگری است که در خصوص رشد ذهنیت‌های بیگانه‌هراسی در جامعه روسیه به طور عام و در میان "کله‌پوستی" ها به طور خاص به آن تأکید می‌شود (Nadezhdina 2007). بر د معتقد است: "دو سوم مردم

روسیه در این دیدگاه مشترکند که "روسیه برای روس‌ها است" و خارجی‌ها عامل بیشتر مشکلات هستند". به اعتقاد او: "زمانی که جامعه‌ای با مشکلی مواجه می‌شود به دو گونه واکنش نشان می‌دهد؛ یا اینکه به صورت منطقی به دنبال پاسخی منطقی برای حل مشکل برمی‌آید و یا عاجز از حل مشکلات خود به دنبال دشمنی می‌گردد تا برای فرافکنی و رد مسئولیت او را متهم به بروز آن مشکل کند". به اعتقاد او متأسفانه "کله‌پوستی"‌ها راه دوم را برگزیده‌اند. در دوره پس از شوروی اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی که بیشتر در غالب مهاجر (قدیمی و جدید) در روسیه حضور داشته و دارند بخشی از تصویر مبهم این دشمن جدید مشکل‌زا را شکل داده و بهانه‌ای برای احاله مشکلات شده‌اند (Charny 2005).

هرچند بیشتر مهاجرین به کارهای ساده و خدماتی مشغول بوده و هستند و به لحاظ اجتماعی و اقتصادی نیز وضع بدتری نسبت به روس‌ها داشته و دارند، اما افت شدید سطح رفاه مردم در دهه ۷۰ (۹۰ م) با این تصور همراه بود که مهاجرین عامل اصلی مشکلات هستند. طبق یک نظرسنجی در سال ۱۳۸۴ حدود ۴۰ درصد مردم روسیه معتقد نیستند که مهاجرین بتوانند به توسعه روسیه کمک کنند، ۶۰ درصد معتقدند مهاجرت شرایط جرم و جنایت را بدتر کرده و ۷۰ درصد موافق محدود کردن جریان مهاجرت به روسیه هستند. آمار قربانیان خشونت‌های نژادپرستانه در روسیه نیز حاکی از آن است که طی سال‌های اخیر بیشتر آنها مهاجرین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بوده‌اند که نتوانسته‌اند با شرایط محیط جدید وفق یافته و محیط نیز تمایلی به جذب آنها نداشته‌است. نتیجه این وضعیت شکل‌گیری فضایی از نارضایتی و اغلب دشمنی از سوی اسلاوها به این مهمانان ناخوانده بوده است.^۱

تشدید مشکلات اقتصادی روسیه ناشی از بحران اخیر اقتصادی جهانی نیز مزیدی بر نگرانی نهادهای سیاسی و اجتماعی این کشور از افزایش تنش‌های اجتماعی در این کشور از ناحیه بزهکاری کارگران مهاجر بیکار شده در روسیه و در مقابل واکنش گروه‌های نژادپرست از جمله کله‌پوستی^۱‌ها شده است. بر اساس اعلام وزارت کار روسیه، در اواخر اکتبر ۲۰۰۸ حدود

^۱. به عنوان مثال در سال ۱۳۸۲ در میان متهمان دستگیر شده از سوی نهادهای انتظامی و امنیتی ۲/۷ درصد خارجی بودند که ۲/۵ درصد این تعداد را مهاجرین حوزه شوروی سابق تشکیل می‌داده‌اند. این در حالی است که در سال ۱۳۸۵ این رقم به ۳/۵ درصد رسیده و از سوی دیگر ۱۷/۳ درصد قربانیان جرایم نیز از این کشورها بوده‌اند. برای اطلاع بیشتر رک به:

۱۱۳۷ کارگاه و کارخانه در این کشور اقدام به تعدیل شمار پرسنل خود کرده‌اند که به تبع آن میزان افراد بیکار در روسیه در سال آتی میلادی به ۲۷۰ تا ۳۰۰ هزار نفر بالغ خواهد شد. بدین ترتیب، کارشناسان هشدار می‌دهند بیکاری این دسته از مهاجرین خارجی با افزایش هم‌زمان میزان بزهکاری‌ها و جنایات خیابانی همراه خواهد بود و این وضعیت به ویژه با توجه به افزایش شمار گروه‌های نژادپرست که به شدت با مهاجرین و مهاجرت به روسیه مخالف هستند، افزایش چالش‌های اجتماعی و امنیتی را در پی خواهد داشت. (Михайлов 2008).

واکنش دولت و جامعه نسبت به پدیده "کله‌پوستی"ها

الف) دستگاه اجرایی

مقامات دولتی روسیه بارها پیرامون غیرقابل‌پذیرش بودن اقدامات نژادپرستانه از جمله فعالیت گروه‌های "کله‌پوستی" صحبت کرده‌اند. پوتین بهمن ۱۳۸۳ در مصاحبه‌ای در این خصوص اظهار داشت: "ما از این که شاهد رشد تفکرات نژادپرستانه در روسیه‌ای هستیم که بیشترین تلاش‌ها را برای شکست نازی‌ها و آزاد کردن یهودیان به کار بسته، متأسفیم". او در این مصاحبه بر تشدید تلاش‌های دولت علیه فعالیت‌های ملی‌گرایانه افراطی و اقدامات ضدیهودی تأکید و گسترش این اقدامات را برای دولت چندملیتی روسیه مضموم و مخرب دانست. پوتین اسفند ۱۳۸۴ در دیدار با مقامات ارشد وزارت کشور نیز ضمن اشاره به افزایش رفتارهای نژادپرستانه، ناکارآمدی آنها در اقدام مؤثر و منسجم برای مقابله با این پدیده و دست‌کم گرفتن خطر گسترش این‌گونه رفتارها را مورد انتقاد قرار داد (LeGendre 2006: 24).

با وجود محکومیت جنایات نژادپرستانه "کله‌پوستی"ها از سوی مقامات دولتی و تأکید آنها بر تلاش جدی برای مقابله با این اقدامات، روندها حکایت از آن دارد که این واکنش‌ها عمدتاً جنبه کلی و غیرعملیاتی داشته و اهمال دولت به ویژه نهادهای امنیتی و انتظامی در مقابله با این اقدامات امری بدیهی است. به طور کلی برداشت عام فعالان حقوق بشر داخل و خارج روسیه نیز عدم برخورد جدی دولت با این پدیده است. اوستینوف دادستان کل روسیه در سخنرانی خود در شورای فدراسیون روسیه در پاسخ به نامه دی ۱۳۸۳ تعدادی از فعالان حقوق بشر که خواستار اقدامات جدی‌تر دولت در مقابله با روند فزاینده اقدامات نژادپرستانه شده بودند، با سطحی دانستن این گونه فعالیت‌ها، تنها به این

اظهار بسنده کرد که؛ "هر چه بیشتر به این مسائل پرداخته شود، توجه عموم و حساسیت مسئله بیشتر می‌شود" (Charny 2005).

بهمن ۱۳۸۴ ولادیمیر پرونین^۱ رییس پلیس مسکو وجود هر گونه گروه سازمان‌یافته "کله‌پوستی" در مسکو را رد کرد. او ضمن اعتراف به افزایش حملات به خارجی‌ها، این اقدامات را به اوباش‌ها نسبت داد. سرگئی زایتسف^۲ دادستان سنت‌پترزبورگ نیز اقدام حمله به خارجی‌ها در سنت‌پترزبورگ را تلاشی در جهت خدشه‌دار کردن وجه این شهر و نه اقدامی افراط‌گرایانه دانست. او با اشاره به وجود تنها دو گروه افراطی در سنت‌پترزبورگ (شولتز^۳ و جمعیت دیوانه^۴)، تأکید کرد تمام اعضاء این گروه‌ها آذر ۱۳۸۴ دستگیر و زندانی شده‌اند. جالب این است که مقامات سنت‌پترزبورگ قتل گرینکو را نیز به اوباش‌ها نسبت دادند. والتینا ماتوی‌ینکو^۵ فرماندار این شهر نیز با متهم کردن رسانه‌ها به بزرگ‌نمایی خشونت‌های نژادپرستانه، این حوادث را از جمله خشونت‌های عادی دانست و با اشاره به دستگیری ۵ نفر در اردیبهشت ۱۳۸۵ مدعی شد این افراد آخرین اوباش‌هایی هستند که در این گونه حوادث شرکت داشته‌اند (21: 2006 "St. Petersburg Governor says Neo-Nazis not dangerous").

در گزارش کمیسیون اروپا علیه نژادپرستی و تعصب (ای. سی. آر. آی)^۶ با اشاره به اهمال دولت در مبارزه با پدیده نژادپرستی در روسیه تأکید شده: "به نظر می‌رسد مقامات دولت روسیه چشم‌های خود را به روی این مشکل فزاینده بسته و قصد مقابله جدی با آن را ندارند". سازمان عفو بین‌الملل نیز در گزارشی با اشاره به تشدید فعالیت‌های نژادپرستانه در روسیه معتقد است؛ "دولت اقدامات اندکی برای مقابله با این پدیده انجام داده است" (Nadezhdina 2007). منتقدین با اشاره به این مهم که در دوره پس از شوروی فعالیت گروه‌های مختلف چپ‌گرا در قالب‌های مختلف حزب و جنبش، تحت عناوین مختلف ضدساختاری و تروریستی محدود شده، اما فعالیت گروه‌های راست‌گرا از جمله گروه‌های افراطی این طیف مورد مخالفت جدی دولت قرار نگرفته و حتی در برخی موارد تأیید ضمنی آن را نیز به

¹. Vladimir Pronin

². Sergei Zaitsev

³. Schultz-99

⁴. Mad Crowd

⁵. Valentina Matvienko

⁶. The European Commission against Racism and Intolerance (ECRI)

همراه داشته، اهمال دولت در مبارزه با گروه‌های افراطی راست‌گرا از جمله "کله‌پوستی"ها را خالی از اغراض سیاسی نمی‌دانند. از منظر آنها این اهمال‌ها در حالی صورت می‌گیرد که اقدامات گروه‌های چپ‌گرا اغلب سیاسی و غیرخشونت‌آمیز و فعالیت گروه‌های راست‌گرا عمدتاً غیرسیاسی و با چاشنی خشونت توأم بوده است (Фочкин 2007a). در این خصوص عقیده بر آن است که دولت‌مردان روسیه پس از جنگ چین، حملات جدائی‌طلبان چینی به شهرهای روسیه و پدیده انقلاب‌های رنگی در گستره شوروی سابق به حمایت‌های ضمنی و آشکار از گروه‌های راست‌گرا متمایل شده‌اند (Mitrokhin 2006: 24).

الکساندر وینیکف^۱ یکی از اعضای گروه روسیه بدون نژادپرستی^۲ با اشاره به افزایش قابل ملاحظه فعالیت گروه‌های نژادپرست از جمله "کله‌پوستی"ها به ویژه در دوره پوتین، معتقد به حمایت ضمنی مقامات دولتی به ویژه امنیتی از این گروه‌ها است. به اعتقاد او این گروه‌ها با تلاش برای تهییج احساسات ملی‌گرایانه مردم دیدگاه‌هایی مشابه با دولت‌مردان کرملین دارند. به عقیده او: "دغدغه دولت پوتین چگونه مبارزه کردن با موج فزاینده نژادپرستی نبود، بلکه چگونه استفاده کردن از این جریان برای دستیابی به مقاصد سیاسی بود، به نحوی که از کنترل کرملین خارج نشود". به اعتقاد وینیکف: "واقعیت آن است که بسیاری از سیاستمداران روسیه به نژادپرستی فرهنگی اعتقاد دارند" (Zaitchik and Ames 2007). نکته حائز تأمل در این خصوص، خشونت و اقدامات تبعیض‌آمیز نهادهای انتظامی و امنیتی نسبت به خارجی‌ها است.^۳ در نظرسنجی که اسفند ۱۳۸۴ از سوی بنیاد داوری عمومی روسیه^۴ در بین افسران این نهادها انجام شد، ۳۹ درصد با شعار روسیه برای روس‌ها موافق و ۵۳ درصد مخالف بوده‌اند. هرچند که این میزان از متوسط مردم کمتر است، با این وجود حائز تأمل است و پیامدهای قابل توجهی خواهد داشت (Gudkov and Dubin 2006).

دولت روسیه بنا به ملاحظاتی از جمله جلوگیری از خدشه‌دار شدن پرستیژ خود در جامعه بین‌الملل از انتساب جرایم "کله‌پوستی"ها به نژادپرستی ابا دارد و تلاش می‌کند این

^۱. Alexander Vinnikov

^۲. The Group For Russia Without Racism

^۳. طبق بررسی که از سوی مؤسسه جامعه‌باز صورت گرفته، تنها ۴/۶ درصد مسافران مترو در روسیه افرادی با ظاهر غیراسلاو بوده‌اند، اما جالب اینکه ۵۰/۹ درصد همین تعداد اندک از سوی پلیس حاضر در این ایستگاه‌ها مورد سوال و بازجویی قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر غیراسلاوها ۲۱/۸ بار بیش از اسلاوها از سوی پلیس متوقف شده‌اند. برای اطلاع بیشتر رک به: "Ethnic Profiling in the Moscow Metro" 2006

^۴. The Public Verdict Foundation

گونه جنایت‌ها را به درگیری‌های شخصی و اوباش‌گری نسبت دهد. به عنوان مثال در گزارش سالانه وزارت کشور روسیه از آمار جرایم اتفاق افتاده در سراسر کشور، این عنوان تفکیک نمی‌شود و به جرایم با انگیزه‌های نژادپرستانه اشاره‌ای نمی‌شود. به واسطه به رسمیت شناخته نشدن این جنایات به عنوان اقدامات نژادپرستانه، دولت هیچ برنامه جامع و مشخصی برای برخورد با جنیش "کله‌پوستی"ها ندارد و در ساختار آن نیز به هیچ نهاد خاصی وظیفه مستقیم پی‌گیری و مقابله با این گونه جرایم واگذار نشده است.

در مجموعه دولت، دفتر رسیدگی به شکایات حقوق بشر^۱ به ریاست ولادیمیر لوکین^۲ و شورای ریاست جمهوری توسعه نهادهای جامعه مدنی و حقوق بشر^۳ به ریاست ایلا پامفیلووا^۴ دو نهادی می‌باشند که تمرکز اصلی آنها بر مسائل حقوق بشر است و به طور ضمنی و با توان تأثیر اندک به پی‌گیری جرایم نژادپرستانه اقدام می‌کنند. بهمن ۱۳۸۵ پامفیلووا و لوکین مشترکاً طی نامه‌ای به دادستان کل، رییس دیوان عالی و وزیر دادگستری روسیه نسبت به افزایش جرایم نژادپرستانه و ناکارآمدی اقدامات سلبی دولت در برابر این فعالیت‌ها هشدار دادند (LeGendre 2006: 25). فقدان نهاد دولتی که وظیفه مستقیم برای مقابله با این پدیده را عهده‌دار باشد باعث عدم واکنش مناسب دستگاه اجرایی به این جرایم شده و تنها تراکم اعتراضات نهادهای مدنی داخلی و فشارهای خارجی، واکنش موردی آن را در پی داشته است. مرور تحولات نیز حاکی از آن است که با توجه به فشار جامعه یهودیان خارج روسیه، دولت نسبت به حملات گروه‌های "کله‌پوستی" به یهودیان بیش از سایر قربانیان حساسیت دارد.

ب) دستگاه قضایی

به اعتقاد تحلیل‌گران یکی از علل گسترش فعالیت گروه‌های نژادپرست از جمله "کله‌پوستی"ها فقدان قوانین سخت‌گیرانه برای مجازات آنها است. هرچند دومای روسیه تابستان ۱۳۸۱ در پی جنگ چچن و حملات به شهرهای روسیه، قوانین ویژه‌ای برای مقابله با افراط‌گرایی به تصویب رساند، اما جالب اینکه اقدامات "کله‌پوستی"ها که نمونه بارزی از

^۱. The Russian Human Rights Ombudsman

^۲. Vladimir Lukin

^۳. the Presidential Council on Developing Civil Society Institutions and Human Rights

^۴. Ella Pamfilova

افراط‌گرایی ملی‌گرایانه است در چهارچوب این قوانین مورد بررسی قرار نمی‌گیرد. از سال ۱۳۸۴ دستگاه قضایی روسیه نیز با تصویب مجازات‌های سنگین‌تر، تنبیهات سخت‌گیرانه‌تری را نسبت به مجرمان این گونه جرایم در دستور کار قرار داد. در شش ماهه نخست این سال نیز افرادی به اتهام‌های مرتبط با فعالیت نژادپرستانه از سوی دستگاه‌های قضایی روسیه مجرم شناخته شده و مجازات‌هایی برای آنها در نظر گرفته شد. دادگاه‌های روسیه طی این سال پرونده‌های متعددی از این گروه‌ها از جمله "شولز ۸۸"، "جمعیت دیوانه" و "لینکس"^۱ را مورد رسیدگی قرار دادند. اما با وجود اینکه در مجموعه قوانین جزایی روسیه مجازاتی برای اقدامات جنایی با انگیزه‌های قومی، نژادی، ملی‌گرایانه و مذهبی و حتی تحریک به این گونه جرایم پیش‌بینی شده (مواد ۲۱۳-۱۱۱-۱۰۵-۶۳ قانون جزایی)، اما روندها حاکی از آن است که دادگاه‌های این کشور متهمان به این اقدامات را عمدتاً به اتهام اوباش‌گری و نه نژادپرستی مورد محاکمه قرار داده‌اند. اغلب اوقات پی‌گیری موارد ضرب و شتم به نتیجه مشخصی ختم نمی‌شود و اگر مسببی نیز معرفی شود در مراحل بعد یا تبرئه می‌شود و یا به مجازات‌های سطحی در مورد وی بسنده می‌شود. تنها در موارد قتل حساسیت مقامات قضایی کمی بیشتر است (Фочкин 2007b).

به طور کلی و بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی مرکز مطالعاتی سووا، موارد اندکی از جنایت‌های "کله‌پوستی"ها مورد رسیدگی مقامات قضایی قرار گرفته‌است به نحوی که در سال ۱۳۸۲ تنها سه نفر، در سال ۱۳۸۳ تنها ۸ نفر و سال ۱۳۸۴ تنها ۱۶ نفر به این اتهامات مجرم شناخته شدند (Kozhevnikova 2006). طی سال‌های اخیر تنها نهادی نیز که به اتهام اقدامات و تبلیغات نژادپرستانه فعالیت آن منع شد حزب اتحاد ملی است. این حزب اواسط دهه ۷۰ (۹۰ م) به رهبری کنستانتین کاسیموفسکی^۲ شکل گرفت و ترس از بیگانه را در سطح وسیعی تری به مردم القا می‌کرد. در سال ۱۳۷۷ روزنامه این حزب توقیف، کاسیموفسکی نیز یک سال بعد دستگیر و فعالیت این حزب غیرقانونی اعلام شد (هرچند هم‌اکنون این حزب به جنبش "عمل روسیه" تغییر نام داده و به فعالیت‌های مخفی خود ادامه می‌دهد) (Фочкин 2007a).

^۱. Лупх

^۲. Константин Касимовский

ج) نهادهای مدنی (احزاب و رسانه‌ها)

نباید این مطلب مهم را از نظر دور داشت که به هر تقدیر "کله‌پوستی"ها بخشی از جامعه روسیه را تشکیل می‌دهند و اقدامات آنها انعکاسی از دیدگاه‌های جاری در این جامعه است. لذا به اعتقاد بسیاری، اقدامات نژادپرستانه "کله‌پوستی"ها در فضایی از تأیید ضمنی بخشی از مردم^۱ و نهادهای مدنی (برخی از رسانه‌ها و احزاب) صورت می‌گیرد و این حمایت در توسعه فعالیت آنها بی‌تأثیر نبوده است. رسانه‌های گروهی روسیه بدون شک با اغراق در تهدید از ناحیه "دیگران" و تلقین پیش‌ذهنیت‌ها و پیش‌داوری‌ها در افزایش احساسات و اقدامات نژادپرستانه "کله‌پوستی"ها مسئول و دخیل هستند. هرچند نشانه‌های بیگانه‌هراسی در رسانه‌ها اغلب در پوششی منطقی و مخفی انعکاس می‌یابد، اما تأثیر همین شیوه بر مردم به ویژه جوانان غیرقابل تردید است. به عنوان مثال رسانه‌های روسیه که در دهه ۷۰ (۹۰ م) تبلیغات ضداسلامی و ضدچچنی را در راستای مبارزه با تروریسم به عنوان امری موجه به طور گسترده در دستور کار قرار داده بودند، در تحریک احساسات جامعه روسیه علیه اتباع قفقازی نقش مؤثری به عهده داشتند. قابل تأمل این که بر اساس بررسی‌ها، تکرار این نشانه‌ها در رسانه‌های دولتی و ملی نسبت به رسانه‌های محلی و خصوصی بیشتر بوده است (LeGendre 2006: 21). بیش از صد نشریه در روسیه نشانه‌های بیگانه‌هراسی را در سطوح و اشکال مختلف تبلیغ می‌کنند که "برای آرمان روسیه"^۲، "عصر روسیه"^۳، "پترزبورگ جدید"^۴ و "فردا"^۵ از آن جمله‌اند (Charny 2005). هرچند وزارت فرهنگ روسیه در سال ۱۳۸۵ دوازده روزنامه را به اتهام تبلیغات نژادپرستانه توقیف کرد، اما این روزنامه‌ها چندی بعد با عناوین جدید فعالیت خود را از سر گرفتند (Simonov 2006). استفاده برخی احزاب رسمی از شعارهای ملی‌گرایانه تحریک‌کننده و طرح پیشنهادهایی برای محدود کردن مهاجرت به روسیه نیز در تقویت ذهنیت‌های بیگانه‌هراسی

^۱. تحقیقات مرکز مطالعاتی سووا حاکی از افزایش احساسات بیگانه‌هراسی مردم روسیه است. طبق نظرسنجی این مرکز در آذر ۱۳۸۴، حدود ۱۶ درصد مردم با شعار روسیه برای روس‌ها کاملاً موافق، ۳۷ درصد تا حدودی موافق و ۲۳ درصد مخالف بوده‌اند. برای اطلاع بیشتر ر ک به: Golov 2005

^۲. Za Russkoye Delo

^۳. Era Rossii

^۴. Novy Peterburg

^۵. Zavtra

مؤثر بوده است. برای مثال حزب ردینا (از جمله احزاب فعال در دومای چهارم) و حزب لیبرال دموکرات (حزب ملی‌گرای افراطی در تمام ادوار دوما در سال‌های اخیر)، انجام این گونه تبلیغات را در سطح وسیعی در دستور کار قرار داده‌اند. شعارهای ملی‌گرایانه (بعضاً افراطی) و بیگانه‌هراسی این احزاب دست‌آویز مناسب آنها برای جلب آراء مردم با شعار "یا ما یا دشمنان" است.^۱ در این شعارها بر این مهم تأکید می‌شود که سپردن زمام امور به غیراسلاوها سپردن "گله به گرگ" است و غیراسلاوها قادر به رفع هیچ مشکلی نیستند. در برخی موارد نیز این گونه تبلیغ می‌شود که گروه‌های ملی‌گرا (از جمله "کله‌پوستی"ها) نیروی‌های اجتماعی مؤثری برای جلوگیری از توطئه خارجی‌های علیه مردم (از جمله از طریق انقلاب‌های رنگی) هستند. این وضعیت به نحوی است که به اعتراف یوری دییاکف،^۲ نماینده سابق دوما؛ "ملی‌گرایی در روسیه به ابزاری سیاسی برای بازی‌های سیاسی تبدیل شده است" (Гилинский 2007). نکته حائز عنایت این که برخی احزاب نژادپرست اروپا از جمله اعضای حزب سوسیالیست ملی‌گرای کارگران آلمان (هیأت جدید حزب نازی سابق) آزادانه به روسیه مسافرت و به تبادل دیدگاه‌های خود با احزاب و جنبش‌های نژادپرست این کشور می‌پردازند و هیچ محدودیتی در این خصوص اعمال نمی‌شود (Grishin 2007).

نتیجه‌گیری

با عنایت به دو بعد اصلی اجتماعی و اقتصادی، مشکل مقابله با "کله‌پوستی"ها در جامعه روسیه پس از شوروی، نیازمند طرح یک راهبرد بلندمدت با تمرکز بر این دو جنبه است. برنامه‌ریزی بلندمدت برای بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی طبقه متوسط و به ویژه محروم جامعه، از جمله تلاش برای افزایش سطح رفاه عمومی و برنامه‌ریزی برای افزایش سطح آگاهی و تحصیلات جوانان می‌تواند گامی مؤثر در درمان ریشه‌ای این پدیده باشد. تقویت جامعه مدنی و ایجاد بستر لازم برای مشارکت مشروع گروه‌های مختلف اجتماعی و آموزش مستقیم اجتماعی برای بالا بردن آستانه تحمل عموم در برابر "دیگران" و "غیرخودی‌ها" نیز می‌تواند گامی کارآمد در کاهش گرایش جوانان به این گروه‌ها باشد. در کوتاه مدت نیز نظارت بیشتر بر رسانه‌های گروهی و منع آنها از نظر انتشار

^۱. برای اطلاع بیشتر پیرامون دیدگاه‌ها و فعالیت این دو حزب ر ک به؛ نوری ۱۳۸۶: فصل سوم

^۲. Yuri Diyakov

دیدگاه‌های بیگانه‌هراسی، تدوین قوانین جزایی سنگین‌تر برای مجرمان این گونه اقدامات و برخورد جدی با رهبران احزاب و جنبش‌هایی که نشانه‌های نژادپرستانه را تبلیغ می‌کنند؛ می‌تواند بسترهای تحریک این اقدامات را کاهش دهد. از آن جا که طی سال‌های اخیر پراکندگی اقدامات نهادهای مختلف اجرایی و قضایی یکی از عوامل اصلی عدم مقابله جدی با گسترش فعالیت‌های نژادپرستانه بوده، به نظر می‌رسد گام نخست در مبارزه مؤثر، اتخاذ موضعی قاطع و هماهنگ از سوی این نهادها باشد. در این راستا دولت باید نهاد ویژه‌ای را تشکیل داده و مامور مستقیم بررسی چگونگی مقابله و هماهنگ کردن تلاش سایر نهادها در این زمینه باشد.

منابع و مأخذ

۱. نوری، علی‌رضا (۱۳۸۶) "عمل‌گرایی یوتین و فرآیند شکل‌گیری اجماع و سازگاری در سیاست خارجی روسیه". پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه‌ای. دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
2. "Ethnic Profiling in the Moscow Metro" (2006) Open Society Institute: <http://www.justiceinitiative.org>
3. "Moscow Skinheads Target Southerners" (2002) Center for Defense Information (CDI Russia Weekly). <http://www.cdi.org/russia/204.txt>. [May 2, 2002]
4. "Russian Federation: Brutal Killing of Human Rights Defender Nikolai Girenko" (2004) Amnesty International. (Public Statement EUR 46/038/2004): 1-2
5. "St. Petersburg Governor Says Neo-Nazis not Dangerous" (2006) UCSJ, Bigotry Monitor:
6. Atkinson, Graeme (2007) "Russia: The killing goes on". Russian Human Rights Solidarity Campaign: 13-29
7. Baysinger, Timothy G. (2006) "Right-Wing Group Characteristics and Ideology". Homeland Security Affairs. 2, 2.
8. Charny, Semyon (2005) "Racism, Xenophobia, Ethnic Discrimination and Anti-Semitism in Russia". Moscow Bureau for Human Rights. <http://www.internaldisplacement.org/8025708F004CE90B/81FB8C02AFFDB267C125723E0033DA18/file/xenoruss.pdf>. [January – June 2007]
9. Grishin, Anton (2007) "Skinhead Russia". Moscow News. <http://www.russiaprofile.org/page.php3Fpageid3DCDIRussiaProfileList26articleid3Da1189180556&wideologyrussiaskinhead>. [September 6, 2007]
10. Gudkov, Lev and Dubin, Boris (2006) "Privatizatsii Politic". Levada Analytical Center. <http://www.publicverdict.org/ru/articles/research/pp1.html>. [February 13, 2006]
11. Kozhevnikova, Galina (2006) "Radical Nationalism in Russia and Efforts to oppose it in 2005". SOVA Center. <http://xeno.sova-center.ru/6BA2468/6BB4208/6E811ED>. [February 25, 2006]
12. Kozhevnikova, Galina (2007) "Radical Nationalism in Russia and Efforts to Counteract it in 2006". SOVA Center for Information and Analysis
13. Laruelle, Marlène (2007) "Central Asian Labor Migrants in Russia: The "Diasporization" of the Central Asian States?". China and Eurasia Forum Quarterly. 5, 3.
14. LeGendre, Paul (2006) "Minorities under Siege: Hate Crimes and intolerance in the Russian Federation". Human Rights First.

15. Marat, Erica (2006) "**Nationalism and Russian Skinhead Movements**". The Times of Central Asia: 5
16. McLennan, Keith (2005) "**Racism in Russia**". <http://www.betteredit.com>.
17. Mitrokhin, Nikolai (2006) "**Non-Islamic Extremism in Today's Russia**". Russia in Global Affairs. 4, 4 .
18. Nadezhdina, Sasha (2007) "**Racist Attacks Threaten Multiculturalism in Russia**". ABCnews. [September 13, 2007]
19. Osborn, Andrew (2005) "**Violence and Hatred in Russia's New Skinhead Playground**". <http://www.rickross.com/groups/skinheads.html>. [January 25, 2005]
20. Pitulova, Nadezhda (2008) "**Oh, Those Hospitable Russians!**". The Russia Journal chitatel. <http://russophobe.blogspot.com/2008/01/oh-those-hospitable-russians.html>. [January 2008]
21. Simonov, Vladimir (2006) "**Russian Skinheads 60 Years after Hitler's Defeat**". RIA Novosti. [online]: <http://en.rian.ru/rian/index.cfm>. [February 2, 2006]
22. Zaitchik, Alexander and Ames, Mark (2007) "**Skinhead Violence Rising in Russia**". http://www.thenation.com/docprint.mhtml?i=20070910&s=zaitchik_ames. [August 29, 2007]
23. **Письменные Ответы Правительства Российской Федерации на Перечень Вопросов, Сформулированных Докладчиком Комитета по Ликвидации Расовой Дискриминации в Связи с Рассмотрением Объединенных Восемнадцатого и Девятнадцатого Докладов Российской Федерации (2008), Международная Конвенция о Ликвидации Всех Форм Расовой Дискриминации Комитет по Ликвидации Расовой Дискриминации, Семьдесят Третья Сессия (CERD/C/RUS/19): [28 июля - 15 Августа 2008]**
24. "**Програма Гражданских Действий против Фашизма (2006)**" SOVA Центр. <http://xeno.sovacenter.ru/29481C8/752A760>. [Май 14, 2006]
25. Викторова, Калашникова Вера (2008) "**Формирование Молодежных Субкультур в Бурятии**", Научный Журнал Кубгау. 37, 3.
26. Галов, А (2005) "**Массовое Восприятие Национальных Меньшинств: Перемены за Год**". Levada Аналитический Центр. [online]: <http://www.levada.ru/press/2005121400.html>. [December 14, 2005]
27. Гишинский, Яков Ильич (2007) "**От Цивилизованности к Варварству: Преступления Ненависти и Сегодняшняя Российская Реальность**". Независимая Газета. http://www.ng.ru/ideas/2007-12-14/10_varvar.html. [Декабрь 14, 2007]
28. Голобкова, Яна (2007) "**Становление Экстремистских Молодежных Организаций на Дальнем Востоке России**".
29. Михайлов, Григорий (2008) "**Мигранты начали экономить**".

Независимая Газета. http://www.ng.ru/cis/2008-10-31/5_migrants.html.
[Октябрь 31, 2008]

30. Смуров, Николай (2008) "**Бритоголовый Патриотизм**". Итоги, 32, 218
<http://www.itogi.ru/archive/2008/32.html> [Август 8, 2008]

31. урсул, виталий (2008) "**Скинхеды: Миф или Реальность в Современной России**".

32. Фочкин, Олег (2007) "**Скинхеды в России. Прошлое, Настоящее, Будущее. Часть I**". Московский Комсомолец.
<http://www.mk.ru/blogs/mk/2007/07/12/Russia/300207>. [Июль 12, 2007]

33. Фочкин, Олег (2007) "**Скинхеды в России. Прошлое, Настоящее, Будущее. Часть II**". Московский Комсомолец. [online]:
<http://www.mk.ru/blogs/mk/2007/07/13/Russia/300403>. [Июль 13, 2007]